



پردیس دانشگاه تبریز
گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته ی حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

عنوان

جزای نقدی بدل از حبس در حقوق کیفری ایران

استاد راهنما

دکتر حسین فخر

استاد مشاور

دکتر محمود شیخ زاده

پژوهشگر

سمانه تقوی نژاد

بهمن ۱۳۹۷

روزنامه علمی



تعهدنامه

عنوان پایان‌نامه: **جزای نقدی بدل از حبس در حقوق کیفری ایران**

اینجانب **سمانه تقوی نژاد** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته **حقوق جزا و جرم‌شناسی** دانشکده

حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز تحت راهنمایی **دکتر حسین فخر** با تعهد به رعایت موارد ذیل، اقرار

و اذعان می‌نمایم:

۱- تحقیقات و نتایج ارائه شده در این پایان‌نامه حاصل مطالعات علمی اینجانب بوده، مسئولیت صحت و

اصالت مطالب مندرج در آن را به طور کامل بر عهده می‌گیرم.

۲- در خصوص استفاده از مطالب و پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد نظر استناد شده است.

۳- مطالب مندرج در این پایان‌نامه را اینجانب یا فرد دیگری به منظور اخذ هیچ نوع مدرک یا امتیازی

تاکنون به هیچ مرجعی تسلیم نکرده است.

۴- کلیه حقوق این اثر به دانشگاه تبریز تعلق دارد. مقالات مستخرج از پایان‌نامه، ذیل نام دانشگاه تبریز

(University of Tabriz) به چاپ خواهد رسید.

۵- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تاثیر گذار بوده‌اند در مقالات

مستخرج از پایان‌نامه رعایت خواهد شد.

۶- چنانچه بعد از جلسه دفاعیه محرز گردد که مطالب پایان‌نامه به صورت کلی یا جزئی مورد سرقت

علمی قرار گرفته است، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی حق هیچ گونه اعتراض و ایرادی نخواهم داشت.

تاریخ

نام و امضاء دانشجو

نام خانوادگی: تقوی نژاد	نام: : سمانه
عنوان: جزای نقدی بدل از حبس در حقوق کیفری ایران	
استاد راهنما: دکتر حسین فخر	استاد مشاور: دکتر محمود شیخ زاده
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: حقوق جزا و جرم شناسی
دانشکده: حقوق و علوم اجتماعی	دانشگاه: تبریز
تاریخ فارغ التحصیلی:	تعداد صفحه:
کلید واژه ها: حبس، جایگزین حبس، جزای نقدی، بدل، تقسیط، اعسار.	
چکیده	
<p>با توجه به ناکارآمدی حبس و به ویژه حبس های کوتاه مدت در اصلاح و بازپروری زندانیان و به منظور کاهش جمعیت کیفری زندان و پیشگیری از تکرار جرم و تقلیل هزینه های اجرای مجازات حبس، سیاست جایگزینی حبس مورد توجه نظام های کیفری قرار گرفت. یکی از انواع مجازات های جایگزین حبس که در مواد ۶۴ و ۸۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی شده، جزای نقدی است. جزای نقدی از جمله مجازات هایی است که به علت سهولت اجرا، ایجاد درآمد برای دولت، قابل جبران بودن مورد توجه قانونگذار ایران قرار گرفته است. مذاقه در آرای مختلف قضایی، قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و مواد ۶۵، ۶۶، ۶۷ و ۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این نکته را برجسته می کند که اعمال مجازات جزای نقدی جایگزین حبس توسط دادگاه در مواردی اجباری و در مواردی اختیاری است. با وجود مزایایی که در اعمال جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس وجود دارد، ممکن است به دلیل مشکلاتی که در پرداخت مبلغ مورد حکم ایجاد می شود، مرتکب به حبس بدل از جزای نقدی محکوم شود و این امر مغایر با اهداف و نتایج مورد انتظار از جزای نقدی بوده و محکومینی که توان پرداخت جزای نقدی را نداشته و متمکن از آن نباشند به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۳ و ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ملزم به تحمل حبسی خواهند شد که قانونگذار جزای نقدی را جایگزین آن نموده است. به نظر می رسد با توجه به اشکالات مطرح شده، می توان به جای حبس بدل از جزای نقدی از راهکارهای جایگزین مانند جریمه روزانه، درخواست اعسار، استفاده از کار عام المنفعه و یا حداقل پذیرش تقسیط جزای نقدی استفاده نمود.</p>	

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۲.....	۱- بیان مسأله.....
۷.....	۲- سوالات تحقیق.....
۷.....	۳- نتایج مورد انتظار.....
۸.....	۴- مواد و روش ها (روش تحقیق).....

۱. تبدیل حبس به جزای نقدی

۱۱.....	۱- مفهوم حبس.....
۱۴.....	۲- تاریخچه حبس.....
۱۶.....	۳- معایب کیفر حبس.....
۲۰.....	۴- ظهور و توسعه جایگزین های حبس.....
۲۱.....	۴-۱- عوامل گرایش به جایگزین های حبس.....
۲۴.....	۵- انواع جایگزین های حبس.....
۲۴.....	۵-۱- جایگزین های سنتی تعدیل حبس.....
۲۵.....	۵-۱-۱- جزای نقدی.....
۲۶.....	۵-۱-۲- محرومیت از حقوق اجتماعی.....
۲۷.....	۵-۱-۳- آزادی مشروط.....
۲۹.....	۵-۱-۴- تعلیق اجرای مجازات.....

- ۳۱ ۲-۵- جایگزین‌های نوین حبس
- ۳۲ ۱-۲-۵- نظام نیمه آزادی
- ۳۳ ۲-۲-۵- دوره مراقبت
- ۳۵ ۳-۲-۵- خدمات عمومی رایگان
- ۳۷ ۴-۲-۵- جزای نقدی روزانه
- ۳۸ ۵-۲-۵- حبس الکترونیکی
- ۳۹ ۶- جایگزینی جزای نقدی به جای حبس
- ۴۱ ۱-۶- مفهوم و سابقه این تبدیل
- ۴۵ ۲-۶- فواید این تبدیل
- ۴۶ ۳-۶- شرایط این تبدیل
- ۴۸ ۴-۶- موقعیت تبدیل
- ۴۸ ۱-۴-۶- تبدیل اجباری
- ۵۲ ۲-۴-۶- تبدیل اختیاری

۲. جزای نقدی و کارکرد جایگزینی آن

- ۵۷ ۱- تعریف، ماهیت و خصایص جزای نقدی
- ۵۷ ۱-۱- تعریف جزای نقدی
- ۵۹ ۲-۱- ماهیت جزای نقدی
- ۶۱ ۳-۱- خصایص جزای نقدی
- ۶۳ ۲- محاسن و معایب جزای نقدی
- ۶۳ ۱-۲- محاسن جزای نقدی
- ۶۴ ۲-۲- معایب جزای نقدی

۳- اقسام جزای نقدی	۶۵
۳-۱- جزای نقدی ثابت و نسبی	۶۵
۳-۲- جزای نقدی اصلی و تکمیلی	۶۷
۴- عجز از پرداخت جزای نقدی	۶۹
۴-۱- بازداشت بدل از جزای نقدی	۶۹
۴-۱-۱- مدت بازداشت	۷۴
۴-۱-۲- معافیت از بازداشت	۷۵
۴-۱-۳- اعسار	۷۷
۴-۲- تقسیط جزای نقدی	۷۸
۴-۲-۱- مرجع اعطای تقسیط	۸۱
۴-۲-۲- شرایط تقسیط	۸۴
۴-۲-۳- عدول از تقسیط	۸۵
نتیجه گیری و پیشنهادات	۸۷
منابع و مأخذ	۹۲
پیوست ها	۱۰۳

فهرست اختصارات

ق.م.ا	قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۹۲)
ق.آ.د.ک	قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)
ق.ن.ا.م.م	قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی (مصوب ۱۳۹۳)
قانون وصول	قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳)

مقدمه

یکی از ابزارهای سیاست کیفری، نهادهایی هستند که راه را برای اعاده بزهکاران به اجتماع هموار می‌سازند. کیفر زندان هر چند ممکن است چنین فرصتی را ایجاد نماید، اما نباید فراموش کرد که محیط زندان با تمام امکانات بازپروری نظیر سوادآموزی و حرفه‌آموزی محیطی است اصولاً توانگیر و انس به آن به ویژه در محکومیت‌های درازمدت، بزهکار را به هنگام خروج از زندان با دشواری مواجه می‌کند. حتی عده‌ای با زندان‌های کوتاه مدت نیز به مخالفت برخاسته‌اند. بر این اساس کیفرشناسان بدین فکر افتاده‌اند که جنبه‌های آسیب‌زننده کیفرهای سالب آزادی را کاهش دهند و پاره‌ای از تدابیر اصلاحی را که در محیط عادی امکان به ثمر رسیدن آن‌ها بیشتر است، جایگزین تدابیری همانند در محیط زندان نمایند. امروزه اگرچه نمی‌توان گفت این مجازات به طور کلی مطرود شده است، باید اذعان داشت که هدف مهم و اساسی آن یعنی اصلاح بزهکار با شکست مواجه گردیده است.

در ایران جهت حرکت به سمت محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری گریزناپذیر به نظر می‌رسد. به همین دلیل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصل نهم تحت عنوان مجازات جایگزین حبس و از جمله آن‌ها جزای نقدی پیش‌بینی و چنین مجازات‌هایی فقط برای دسته‌ی خاصی از جرم‌ها که مجازات حبس آن‌ها تا میزان خاص و معینی باشد، برای دادگاه به طور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است. جزای نقدی به صورت مستقل و یا به عنوان جایگزین مناسب خصوصاً در حبس‌های کوتاه مدت یکی از مجازات‌هایی است که در دهه‌های اخیر متخصصین امر را به خود مشغول داشته و حتی در سطوح مختلف به اجرا در آمده است. در خصوص تبدیل حبس به جزای نقدی باید به مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ و یا برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توسل جست. در قوانین جزایی تعریف

خاصی از جزای نقدی دیده نمی‌شود لیکن می‌توان آن را با توجه به متن قانون و نظرات حقوقدانان بدین صورت تعریف نمود: «اجبار محکوم علیه به پرداخت مبلغی پول رایج در حساب خزانه دولت است». از جمله محاسن و فوایدی که باعث اولویت جزای نقدی شده است عبارت از عدم فساد و تباهی بزهکار، درآمدزایی برای دولت و قابل جبران بودن در صورت اشتباه قاضی است. با این وجود مشکلاتی در اعمال مجازات جزای نقدی وجود دارد به این صورت که با عجز محکوم علیه از پرداخت آن، جزای نقدی تبدیل به حبس می‌شود، در نتیجه با حبس بدل از جزای نقدی نتیجه‌ای که عاید می‌شود نقض غرض قانون‌گذار است. به همین دلیل برای جلوگیری از این دور باطل، جریمه روزانه یا انجام خدمات عمومی و کارهای عام‌المنفعه یا جریمه قسطی، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است تا از محکومیت دوباره مجرمین و اعزام آنان به زندان جلوگیری شود.

در این پایان‌نامه که از دو فصل تشکیل شده است ابتدا به بررسی مفهوم حبس، معایب این کیفر و شناخت انواع مجازات‌های جایگزین حبس از جمله جزای نقدی و بررسی، تحلیل، فواید و شرایط جایگزینی جزای نقدی، انواع آن مورد مذاقه قرار گرفته و در نهایت موضوع عجز از پرداخت جزای نقدی و راهکارهای معافیت از بازداشت بدل از جزای نقدی پردازش می‌گردد که با مطالعه قانون مجازات اسلامی، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، قانون آیین دادرسی کیفری و برخی رویه‌های قضایی سعی می‌شود پاسخی شایسته به ابهامات موجود داده شود. در انتها نیز انتقادات وارده بر قوانین مرتبط با این موضوع، نواقص و ابهامات آن و ارائه راهکارهایی در جهت مقابله با مشکلات موجود در این زمینه و نتیجه‌گیری کلی از پایان‌نامه مطرح می‌گردد.

۱- بیان مسأله

امروزه حبس تبدیل به یکی از انواع رایج مجازات‌ها شده است که در تمامی کشورها نسبت به جرایم متعددی اعمال می‌شود. اما با گذشت مدت زمانی طولانی از اعمال این مجازات بر روی کثیری از مجرمان، ثابت شده است که این

شیوه دیگر مفید و مناسب نیست و باید از روش های دیگری استفاده نمود. همچنین رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد و مردم به دنبال حفظ حق حیات و حق آزادی بودند. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد. و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت. در عین حال، انتقادهای گسترده ای بر آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم شناختی و اجتماعی وارد شد. این اشکالات گسترده همه متفکران علوم جنایی را واداشت که به دنبال جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند. در ایران نیز با وجود کوشش ها و هزینه ها در جهت روش های اجرایی بهتر مجازات حبس، در دستیابی به اهداف پیش بینی شده در قوانین ناموفق بوده است. به همین دلیل، تلاش هایی به منظور تجدید موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات ها در چهارچوب سیاست حبس زدایی صورت گرفته است. بدین ترتیب، جهت حرکت در ایران به سمت محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد اعمال مجازات حبس امری گریزناپذیر به نظر می رسد. سوالی که پیش می آید این است که چه روش های دیگری را باید جانشین زندان کرد تا بتوان به اهداف مورد نظر از مجازات ها دست یافت. در خصوص سابقه تاریخی تبدیل زندان به جزای نقدی، از همان آغاز تدوین قانونگذار در ایران، مقرراتی در این زمینه وجود داشته اند. برای مثال، می توان به این موارد اشاره کرد: قانون امکان تبدیل حبس در امور جنایی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷، ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مواد ۳ و ۴ و ۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲. در حال حاضر نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات های جایگزین مطابق با مواد ۲۷ و ۲۸ این قانون، مبلغ مجازات نقدی بدل از حبس سیصد هزار ریال تعیین گردیده است که این مبلغ نیز به موجب مصوبه جلسه ۱۳۹۵/۸/۱۶ هیئت وزیران، در اجرای بندهای ۶۴ و ۶۵ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه به منظور بهبود

وضعیت زندان ها به مبلغ چهارصد هزار ریال تعدیل گردید. در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مقرر شده است دادگاه در صورت وجود جهات مخففه، مجازات تعزیری را به نحوی که مناسب تر به حال متهم باشد تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات دیگری نماید. همچنین در سال ۱۳۸۴ به درخواست قوه قضاییه لایحه ای با عنوان مجازات های جایگزین حبس در جلسه وزیران به تصویب رسید و سپس برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد و بنا شد تا در کارگروه های تخصصی بررسی لازم صورت پذیرد و در نهایت به تصویب مجلس برسد اما این امر تحقق نیافت و تا مدت ها خبری از جایگزین حبس نبود تا اینکه نهایتاً در سال ۱۳۹۲ در قانون جدید مجازات اسلامی در فصل نهم کتاب کلیات و طی مواد ۶۴ الی ۸۷ به این مسأله پرداخته و مجوز قانونی آنها صادر شد. در این قانون پیش بینی چنین مجازات هایی فقط برای دسته خاصی از جرم ها که مجازات حبس شان تا میزان خاص و معینی باشد، برای دادگاه به طور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است. از جمله این جایگزین ها طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جزای نقدی است که مجرمین به جای حبس های کوتاه مدت محکوم به پرداخت آن می شوند. اصطلاح جزای نقدی با اصلاح قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ جانشین واژه های غرامت و مجازات نقدی و جریمه و سایر عبارات گردید اما در قوانین کیفری واژه های مذکور اغلب مترادف جزای نقدی به کار برده می شوند. در همین راستا در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جریمه نقدی بر حسب میزان آن تابع یکی از درجات هشتگانه مجازات های تعزیری است. هر چند در قانون جزای نقدی تعریفی به عمل نیامده است اما تعریف جامع و مانع از مجموع تعاریفی که حقوقدانان ارائه داده اند عبارت است از: «الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه رایج به خزانه دولت به عنوان مجازات». جزای نقدی گاه به صورت مجازات اصلی و گاه به صورت مجازات تکمیلی اجباری یا اختیاری مورد حکم دادگاه قرار می گیرد.

این نوع مجازات دارای محاسن و معایبی می باشد. عمده ترین محاسن جزای نقدی عبارتند از: ۱- تناسب میان جرم و مجازات، اعمال تناسب در جزای نقدی به مراتب آسانتر و بهتر از سایر مجازات ها است. ۲- جلوگیری از تکرار جرم، جرایمی که انگیزه مرتکب کسب سود است جزای نقدی موثرتر از سایر مجازات ها است. ۳- برخلاف زندان فاسد کننده نیست. ۴- در صورت اشتباه قضایی قابل جبران می باشد. جزای نقدی در کنار این محاسن، معایبی را به همراه دارد که می توان اشاره کرد به: ۱- جزای نقدی با اصل تساوی مجازات سازگار نیست زیرا جزای نقدی برای ثروتمندان کم تأثیر و برای فقرا غیر قابل تحمل می باشد. ۲- جزای نقدی فاقد خصیصه شخصی بودن است. ۳- حتمی بودن اجرای مجازات جزای نقدی غالباً با اعسار حقیقی یا تصنعی محکوم مواجه می شود. تبدیل حبس به جزای نقدی مطابق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه جرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می شود. همچنین مواد ۶۵ و ۶۶ تکالیف مرتکبین جرایم عمدی را روشن می سازد که اگر مجازاتشان تا سه ماه حبس است حتماً و اگر حداکثر نود و یک روز تا شش ماه است در صورت نبودن در دسته مستثنی شده در ماده ۶۶، امکان بهره مندی از مجازات های جانشین از جمله جزای نقدی را پیدا می کند. این مرتکبین اگر مجازاتشان بیش از شش ماه تا یک سال حبس باشد تعیین مجازات های جایگزین حبس اختیاری خواهد بود. در ماده ۶۸ نیز لزوماً مرتکبین در جرایم غیر عمد را مستحق مجازات جایگزین دانسته اند مگر اینکه مجازات اصلی شان بیش از دو سال حبس باشد. البته باید توجه داشت که هر کس محکوم به جزای نقدی شود باید آن را به محض قطعی شدن حکم به پردازد، مع هذا اجرای حکم جزای نقدی در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت تبدیل به حبس می گردد. در واقع تبدیل آن به حبس وسیله تهدید و اجبار محکوم علیه به پرداخت جریمه است. به موجب ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بازداشت بدل از جزای نقدی به محض قطعیت حکم و به قید فوریت به اجرا درمی آید و در

هر حال مدت این بازداشت نباید از سه سال تجاوز کنند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴، قانونگذار به طور مفصل و کلی مواد ۵۲۹ تا ۵۴۰ در خصوص اجرای جزای نقدی و نحوه وصول آن تعیین تکلیف کرده است. در همین راستا حسب صراحت ماده ۵۲۹ قانون اخیرالذکر، اگر کسی به موجب حکم قطعی به جریمه نقدی محکوم شود و آن را پرداخت نکند، چنانچه مالی از وی یافت شود اموال او به وسیله مرجع اجرای حکم توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین، از محل فروش آنها، نسبت به اجرای حکم اقدام می شود. مشکلاتی که در اجرای کیفر نقدی پیش می آید باعث شده است که این مجازات کارکرد خود را به عنوان یک مجازات سنتی از یک سو و به عنوان مجازات جایگزین حبس از سوی دیگر از دست بدهد. به عبارت دیگر، پیش بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت جزای نقدی با منظور اصلی قانونگذار یعنی اجتناب از مجازات حبس کوتاه مدت و در نتیجه با قوانینی مانند قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مواد مصرف آن مصوب ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه یا تقسیط جزای نقدی را پیش بینی و تقویت نمود. با توجه به مواد ۵۳۰ الی ۵۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقررات مربوط به عجز محکوم علیه در پرداخت جزای نقدی و تقاضای تقسیط مشمول مقررات خاصی می باشند و مباحثی که در این زمینه مطرح می شود این است که قانونگذار برای پذیرش تقسیط چه شرایطی را اعمال می کند و در صورت صدور حکم تقسیط و عدم پرداخت به موقع اقساط از سوی محکوم علیه چه حکمی در نظر گرفته شده است، همچنین در صورتی که اجرای حکم به طریق مذکور ممکن نشود، با رعایت مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس و بر حسب میزان جزای نقدی مورد حکم ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقررات خاصی را پیش بینی کرده است که هر کدام از این مباحث نیاز به بررسی و تحلیل دارند.

در نهایت هدف از این پژوهش مطالعه و بررسی قلمرو مجازات جزای نقدی بدل از حبس، ماهیت جزای نقدی از لحاظ نوع، میزان و آثار و احکام خاص این جرم در اجرای آن و عجز از پرداخت آن در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین می باشد.

۲- سوالات تحقیق

- ۱- قلمرو مجازات جزای نقدی از لحاظ مفهوم، خصائص، مزایا و معایب چیست؟
- ۲- شرایط تبدیل حبس به جزای نقدی از لحاظ نوع جرم، میزان مجازات و... چیست؟
- ۳- در صورت عجز از پرداخت جزای نقدی چه احکام تعریف شده ای در قانون کیفری ایران وجود دارد؟
- ۴- شرایط تقسیط جزای نقدی کدام است؟

۳- نتایج مورد انتظار

با انجام این کار تحقیقی انتظار می رود:

- اولاً: قلمرو مجازات جزای نقدی به طور دقیق در قانون مجازات اسلامی مشخص و احصاء شود.
- ثانیاً: شرایط تبدیل حبس به جزای نقدی از لحاظ نوع جرم و میزان مجازات مشخص شود.
- ثالثاً: در انجام این کار تحقیقی سعی می شود تا به احکامی که در خصوص عجز از پرداخت جزای نقدی و شرایط تقسیط در قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین دیگر وجود دارد اشاره شود.

۴- مواد و روش ها (روش تحقیق)

تحقیق حاضر نیز همانند اغلب کارهای پژوهشی که در دیگر رشته های علوم انسانی صورت می گیرد نوع توصیفی - تحلیلی خواهد بود که در این راستا از کتب حقوقی، مقالات، مجموعه قوانین، پایان نامه ها و سایت های اینترنتی برای شناخت مسئله، بهره خواهیم گرفت. همچنین برای جلوگیری از تکرار مکررات و بررسی جامع این موضوع، تنها به موضوعات کاملاً مرتبط با تحقیق پیش روی خواهیم پرداخت.

تبدیل حبس به جزای نقدی

در طول دو قرن اخیر، مجازات حبس به عنوان شاکله حقوق جزا در زمره مهم ترین ضمانت اجراهای کیفری قرار گرفته و زندانی کردن بزهکار به یکی از شایع ترین پاسخ های سیاست کیفری به پدیده ی مجرمانه مبدل شده است. در واقع حبس از جهت قانونی، اصلی ترین و شایع ترین دستاویز برای جرم و مجرم است. از جهت قضایی، مهم ترین دستاویز قاضی برای تهدید مرتکب یا حتی اعمال پاسخ برای وی حبس است. اما مجازات زندان به دلیل تورم بیش از حد جمعیت زندانیان و آسیب های سوء ناشی از آن و همچنین کمبود امکانات به ویژه عدم وجود فضای مناسب برای طبقه بندی علمی زندانیان، تنها وسیله ای برای مجازات تن و جسم مجرمان گردیده و در این شرایط، اصلاح و ترتیب بزهکاران را که از مهم ترین اهداف کیفر محسوب می شود تحت الشعاع قرار گرفته و تقریباً دست نیافتنی شده است. بنابراین جرم زا بودن محیط زندان و تأثیر نامطلوب روانی زندان بر زندانیان موجب گردیده اثرات تربیتی در زندان کم رنگ شده و مجازات حبس کارکرد اصلاحی و بازدارندگی خود را از دست بدهد. امری که توجیهی برای اجرای مجازات جایگزین حبس بوده است تا در ضمن آن علاوه بر تحمیل محدودیت هایی برای آزادی محکوم، تأمین کننده اهداف کیفر بدون وجود آسیب های ناشی از زندان نیز باشد. با توجه به گستردگی این نوع مجازات در حقوق ایران تحلیل این نوع مجازات و انواع آن و زدودن ابهام از جوانب آن ضروری است. در این فصل سعی خواهیم کرد که تعریف و تاریخچه ای از مجازات جایگزین حبس ارائه و معایب و مزایای آن را مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت جایگزینی جزای نقدی به جای حبس را ارزیابی نماییم.

۱- مفهوم حبس

از نظر سلسله مراتب شدت و وخامت مجازات می توان گفت که بعد از مجازات بدنی، مجازات حبس یا سلب آزادی در مرتبه دوم قرار دارد. از دیرباز مجازات حبس به عنوان حربه ای برای مقابله با مجرمان مورد توجه بوده است. لفظ زندان و حبس در زبان فارسی بیش از مجازات سلب آزادی مرسوم است اما باید گفت که همه آنها به محلی گفته می شود که محکوم علیه در آن به صورت دائم یا موقت نگهداری می شود. منظور از مجازات سلب آزادی همان مجازات حبس است که مجرم به موجب قانون و حکم دادگاه در زندان یا ندامتگاه نگهداری می شود و با بازداشتگاه یا توقیفگاه که محل نگهداری متهمان می باشد تفاوت دارد. فرهنگ معین کلمه ی زندان را چنین تعریف می کند: «جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه می دارند، بندی خانه، قیدخانه، محبس» (معین، ۱۳۸۲: ۳۹۱-۳۳۷). در ترمینولوژی حقوق آمده است: «سلب آزادی و بازداشت محکوم به منظور اجرای مجازات پس از حکم قطعی، حبس قانونی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۶۵۵). همچنین طبق ماده ۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ در تعریف زندان آمده است: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنها قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می شوند». در قرآن کریم مترادف حبس، الفاظ سجن، وقف، امسک و حصر آمده است. مثلاً لفظ مسجونین در سوره ۲۶ شعراء به کار رفته است. مشتقات دیگر سجن در آیات متعدد سوره یوسف به کرات به کار رفته است از جمله آیات ۲۵-۳۲-۳۳-۳۵-۳۶-۳۹-۴۱-۴۲-۱۰۰. لفظ حبس نیز دو بار در قرآن به کار رفته است یک بار در آیه ۱۱ سوره هود و دومی در آیه ۱۰۶ سوره مائده است که در مورد جواز نگهداری کردن شاهد وصیت تا زمان ادای شهادت است.^۱

۱. لازم به ذکر است که معادل واژه حبس در قرآن در آیات فراوانی نیز آمده است از جمله: «ادا خرجنی فی السجن» (یوسف، آیه ۱۰۰)، «رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه» (یوسف، آیه ۳۳).

در متون فقه نیز این منظور در لسان العرب می گوید: «العزر به معنی سرزنش و ملامت است و نیز معنی بازداشتن و العزر و التعزیر به معنی زدن کمتر از حد نیز می باشد زیرا بزهدکار را از تکرار گناه باز می دارد و از ارتکاب معصیت رو گردان می کند و اصل تعزیر به معنای تأدیب است و بدین سبب زدن کمتر از حد تعزیر نامیده می شود زیرا تعزیر همان ادب کردن است» (ابن منظور، ۱۳۱۴، ۴: ۵۶۱ و ۵۶۲). در تاج اللغة و صحاح العربیه پیرامون معنای تعزیر چنین آمده است: «تعزیر عبارت است از تعظیم و بزرگداشت و نیز عبارت است از ادب کردن از همین رو زدن کمتر از حد را تعزیر می گویند» (جوهری، ۱۳۱۰، ۲: ۷۴۴). راغب اصفهانی نیز در معنای تعزیر می فرماید: «تعزیر عبارت است از یاری کردن همراه با احترام و تعظیم و به معنی زدن کمتر از حد نیز آمده است و این معنی به همان معنی اول بر می گردد زیرا از زدن، نوعی تأدیب است و تأدیب هم نوعی کمک کردن محسوب می شود و لی در معنی اول، یاری کردن به وسیله زدودن چیزی است که او را ضرر می رساند در حالی که در معنای دوم، یاری کردن به وسیله دور کردن وی از چیزی است که او را ضرر می رساند. بر همین وجه است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: برادرت را خواه ظالم باشد یا مظلوم یاری کن، راوی پرسید یاری رساندن مظلوم معلوم است اما وجه یاری رساندن ظالم چیست؟ ایشان فرمودند با بازداشتن وی از ظلم یاریش رسانید (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲: ۵۶).

از دقت و بررسی در نظرات اکثر اهل لغت چنین به دست می آید که لفظ تعزیر از نظر وضع لغوی برای زدن تعیین نشده بلکه برای جلوگیری از جرم و گناه و ادب کردن و امثالهم در نظر گرفته شده است. در خصوص زدن هم از این جهت مصداق می یابد که زدن شخص خطاکار از مصادیق ادب کردن محسوب می شود (منتظری، ۱۳۶۶: ۲۲). علامه حلی در تحریر الاحکام فرموده اند: تعزیر در هر جرمی که شرعاً حدی برای آن تعیین نشده باشد، واجب است... و آن با زدن و زندانی کردن و هشدار محقق می شود نه با قطع عضو، وارد کردن جراحت و گرفتن مال (علامه حلی، بی